http://dorl.net/dor/20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۰۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۰۸/۰۵
صفحه ۱۰۲-۸۱
نوع مقاله: پژوهشی

بررسی گلیم «پِلاس» روستای آقداش در بستر فرهنگی منطقه*

وحیده صائبی
دانشجوی ارشد رشته پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان
زهرا حسین آبادی (نویسنده‌ی مسئول)
دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان
hosseinabadi_2007@yahoo.co.uk

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان۱۳۹۹

چکیده

در روستایی مرزی و دورافتاده به نام آقداش از توابع شهرستان کلات نادری در استان خراسان رضوی، گلیمی ذهنی بافته می‌شود که روستاییان این منطقه آن را «پِلاس» یا «پالاس ترکی» می‌نامند. بافتن این پلاس توسط زنان روستا با وجود ۱۷۰ دستگاه بافت فعّال در روستایی با ۱۶۷ خانوار جمعیت، نشان‌دهنده‌ی فرهنگ زنده‌ی رایج در روستا است. با توجّه به شهرت جهانی دست‌بافته‌های ایران و سبک‌های متفاوت بافت در مناطق گوناگون، شناسایی طرح، نقش و معرفی تکنیک بافتِ این نوع دست‌بافته از ضرورت‌های تحقیق در این زمینه است. نقوش ذهنی همواره ارتباط مستقیم با فرهنگ خاستگاه داشته و از بین رفتنِ تدریجی آن‌ها از آسیب‌های امروزی تولیدِ گلیم است. به این ترتیب، گردآوری و ثبت این نقوش بسیار اهمّیّت دارد. اما نقوش پلاس‌های روستای آقداش کدامند و در فرهنگ روستا چه معنا و مفهومی دارند؟ این تحقیق، با هدفِ یافتن ارتباط مفاهیم نقوش این گلیم با فرهنگ رایج در روستای آقداش صورت پذیرفته و با توجّه به اهمیت تغییر سریع سبک زندگی و اهمّیّت بوم‌شناسی در سال‌های اخیر، مطالعات خرده‌فرهنگ‌ها و شناخت بوم‌های متفاوت در بستر فرهنگی مناطق، شناساندن گلیم آقداش از دیگر هدف‌های این پژوهش است. روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی است. اطّلاعات پژوهش علاوه بر مطالعات اولیه‌ی کتابخانه‌ای از نتیجه‌ی گفت‌وگو با اهالی روستا و مشاهده فراهم شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در بیشتر نقوش، از عناصر طبیعت روستا و حیوانات استفاده شده‌است که ارتباط مستقیم با زندگی مردم روستای آقداش دارد و شرایط اقلیمی و جغرافیایی منطقه و شکل‌گرفتن یک خرده فرهنگ در گذشته، از عوامل محیطی استمرار بافتِ گلیم آقداش بوده‌است.

واژه‌های کلیدی: گلیم، روستای آقداش، طرح و نقش گلیم، فرهنگ.

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد با عنوان بررسی گلیم (پلاس) روستای آقداش در بستر فرهنگی منطقه در دانشکده‌ی هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان به راهنمایی دکترزهرا حسین‌آبادی است.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

Investigating the Rug "Pelas" Knitted in "Aqdash" Village within the Region's Cultural Ground

Vahideh Saebi
Master of Art Research, Art Research Department, Faculty of Arts and Architecture, University of Sistan and Baluchestan.
Zahra Hossein Abadi (Author Corresponding)
Associate Professor of Art Research, Faculty of Arts and Architecture, University of Sistan and Baluchestan
hosseinabadi_2007@yahoo.co.uk

Abstract

A subjective rug is weaved in a border and distant village named Aqdash, a subsidiary district of Kalat-e-Naderi County in Khorasan-e-Razavi Province and it is called "Pelas" or "Turkish Pelas" by the villagers of the region. Knitting this Pelas by rural women, despite 170 active weaving machines with a population of 167 families, indicating that in the remote and remote village called Aqdash of Kalat Naderi city in Khorasan Razavi province, a mental kilim is woven, is a common living culture in the village. Considering the global fame of Iranian hand woven and different weaving styles in different regions identifying the pattern, motif and weaving technique of this type of weaving is one of the necessities of research in this field. Mental motifs have always been directly related to the culture of origin, and their gradual disappearance is one of the harms of today's kilim production. Thus, collecting and registering these motifs is very important. But what are the motifs of Aghdash village and what is their meaning in the village culture? The aim of this study was to find the relationship between the meanings of the patterns of this kilim and the common culture in Aghdash village and considering the importance of rapid lifestyle change and the importance of ecology in recent years, studies of subcultures and recognizing different natives in the cultural context of the region. Other objectives of this research. The research method is descriptive-analytical. Research information is provided in addition to preliminary library studies as a result of conversations with villagers and observation. The results show that in most of the patterns, elements of village nature and animals are used, which is directly related to the life of Aqdash villagers and the climatic and geographical conditions of the region and the formation of a subculture in the past, have been environmental factors in the continuation of Aqdash kilim.

Keywords: Kilim, Aqdash village, Pattern and motif of kilim, Culture

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

مقدمه

بررسی صنایع دستی یک خرده فرهنگ می‌تواند اطّلاعات فراوانی را از هر قوم در اختیار ما بگذارد. ضرورت این دسته از تحقیقات می‌تواند پیوند و تأثیر غیرمستقیم فرهنگ مادّی و غیرمادّی را آشکار کند. ساخت فرهنگی در جوامع کوچک و روستاها شامل اجزا و عناصری است که این عناصر به هم پیوسته سبب به وجودآمدن یک ترکیب فرهنگی می‌شود. صنایع دستی نیز در این جوامع به عنوان یک عنصر تأثیرگذار در ترکیب فرهنگی، اهمّیّت بسیاری دارد. قالی و گلیم در مناطق مختلف ایران، یکی از عناصر فرهنگی و بیان‌گر گذشته‌ی هر منطقه است. بنابراین، بررسی آن از زوایای مختلف می‌تواند ارتباط حوزه‌ی فرهنگی با عنصر فرهنگی را بیشتر نشان دهد. بافتن پارچه و گلیم تقریباً از یک زمان رواج یافته‌است. حتی می‌توان گفت که انسان پیش از آن‌که دست به ساختن خانه بزند، اقدام به بافتن کرده‌است (جزایری، ۱۳۷۰: ۷). گلیم درخانه به روش سنتی برای فرش کف خانه، بالش و نازبالش، کیسه‌های انباری، بستر و مقاصد رسمی و پذیرایی به کارمی‌رفت. انباشت گلیم‌ها و منسوجات جهیزیه در اطراف اتاق در واقع نوعی نمایش ثروت و یا بانک پس‌انداز بافتنی محسوب می‌شد (هال وبارنارد، ۱۳۷۵: ۶). مهم‌ترین نقش گلیم در روستا، از گذشته تا به امروز به عنوان سرمایه‌ی مالی عروس در جهیزیه به شمار می‌آمده‌است. در روستای آقداش نیز الیاف دراختیار دختر قرار می گیرد تا برای جهیزیه‌ی خود گلیم ببافد تا سرمایه‌ای برای زندگی آینده‌شان باشد و هنوز هم این رسم در روستا برقرار است.

آقداش که یکی از روستاهای کلات نادر از توابع مشهد است به دلیل استمرار بافت گلیم از گذشته تا به امروز و همچنین فراوانی بافت آن در این منطقه می‌توان از این بافته‌ها به‌عنوان یک سرمایه‌ی فرهنگی یاد کرد. گلیم یا پلاس آقداش که از صنایع دستی این منطقه محسوب می‌شود از تبدیل پشم به نخ‌های رنگین و مرغوب که تار و پود مقاوم و زیبایی برای بافت پلاس به دست می‌دهد، شکل می‌گیرد. کارگاه‌های پلاس به صورت افقی بوده و شبیه کارگاه قالی است. علاوه بر آقداش، روستاهای قله زو و سیرزار نیز به تولید پلاس می‌پردازند و بیشترین تولید و عرضه به بازار را دارند. هنر بافت گلیم‌های پر نقش و نگار در روستاهای قله زو و آقداش نیز از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. پلاس امروز از کم شدن تمایل بافندگان به تولید این محصول زیبا رنج می‌برد.

نخستین مسئله در مشاهده‌ی یک گلیم، ساختار بافت آن شامل رنگ، نقش و تکنیک بافت است و این ساختار می‌تواند منطقه‌ی بافت آن را نشان دهد و از سوی دیگر در آیندهای نه چندان دور، شاید به‌ناچار شاهد تغییرات اساسی در سبک تولید، بافت و همچنین از بین رفتن بعضی از نقوش ذهنی باشیم. به همین دلیل، انجام این گروه از پژوهش‌ها به دلیل شکاف میان نسل گذشته با نسل امروز، برای مستندکردن نقوش ذهنی از ضرورت‌های چنین پژوهش‌هایی است. علی‌رغم پیشینه‌ی کهن بافت انواع گلیم و پلاس در استان خراسان، متأسّفانه هنوز هم در منابع مکتوب و مدوّن، اطّلاعاتی از این تولیدات دیده نمی‌شود. در این تحقیق تلاش شده است که با بررسی فرهنگی بوم‌شناسانه و رویکرد مستندسازی این گلیم و زیر مجموعه‌ی آن؛ یعنی طرح، نقش و رنگ، بن‌مایه‌های نقوش و عناصر فرهنگی تأثیرگذار بر این دست‌بافته نشان داده‌شود و با گردآوری نقوش بافته شده گلیم آقداش و مستندسازی آن به رونق و توسعه‌ی مشاغل کوچک خانگی کمک ارزنده‌ای خواهد شد. این تحقیق، با هدفِ یافتن ارتباط مفاهیم نقوش این گلیم با فرهنگ رایج در روستای آقداش صورت پذیرفته و با توجّه به اهمیت تغییر سریع سبک زندگی و بوم‌شناسی در سال‌های اخیر و مطالعات خرده‌فرهنگ‌ها و شناخت بوم‌های متفاوت در بستر فرهنگی مناطق، شناساندن گلیم آقداش از دیگر هدف‌های این پژوهش است. از این رو تحقیق حاضر به دنبال پاسخ این پرسش است که: نقوش پلاس‌های روستای آقداش کدام هستند و در فرهنگ روستا چه معنا و مفهومی دارند؟

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

پیشینه‌ی تحقیق

علی حصوری (۱۳۷۱) در کتاب قالی ترکمن مجموعه‌ی کاملی از نقوش قالی ترکمنی را گردآوری کرده؛ اما در این کتاب، تقسیم‌بندی مناطق جغرافیایی بافت ترکمن و گلیم به صورت مجزّا صورت نگرفته؛ همچنین به این مسئله که آیا ترکمن‌ها در آن قسمت از شهرستان کلات به بافتن گلیم و قالی مشغول هستند، اشاره‌ای نشده‌است.در این کتاب فقط می‌توان شباهت‌های نقوش جمع‌آوری‌شده با نقش‌های گلیم آقداش را دید.

هال و بارنارد (۱۳۷۵) در گلیم‌های ایرانی به بررسی کامل مناطق بافت گلیم می‌پردازد؛ اما به منطقه‌ی مورد پژوهش این پژوهش نپرداخته‌است. هال و ویووسکا (۱۳۷۷) در کتاب گلیم به بررسی کامل تاریخچه و مناطق بافت دنیا پرداخته؛ اما به منطقه‌ی کلات و روستای آقداش اشاره‌ای نکرده است. یاوری (۱۳۸۹) در کتاب شناخت گلیم و گلیم مانندهای ایران با این‌که به بررسی جامع و کامل انواع مختلف گلیم ایران پرداخته‌است، ولی درباره‌ی تکنیک بافت و یا نقوش این منطقه اطلاعاتی در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد. او بسیار مختصر به گلیم خراسان و کلمه‌ی آقداش اشاره می‌کند.

بوگولیوبف (بی‌تا) در کتاب فرش‌های ترکمنی مجموعه‌ی محدودی از تصاویر قالی‌های اقوام مختلف ترکمن را جمع‌آوری کرده؛ اما به گلیم اشاره نکرده‌است. او در این کتاب ابتدا درباره‌ی تقسیم‌بندی اقوام ترکمن، مهاجرت آن‌ها، مناطق بافت محلّ سکونت ترکمن‌ها (بخش‌هایی از روسیه و بعضی از شهرهای استان خراسان) اشاره کرده؛ سپس به شباهت‌های جزیی میان نقوش با نقوش گلیم آقداشی پرداخته‌است. در کتاب جامع گلیم که به صورت کامل و گسترده به گلیم‌های شرقی پرداخته شده، اشاره‌ای به گلیم این مناطق و سبک بافت آن نشده‌است؛ فقط در تصویری از یک خورجین بافت کشور ترکمنستان می‌توان شباهت‌هایی را در نقش و بافت آن با گلیم آقداش دید (صباحی، ۱۳۹۴: ۸۷).

تاریخچه و آشنایی با منطقه‌ی کلات

محمّد عارف واژه‌ی کلات را پناهگاه، شهر، یورت، محلّ ارزاق و انبار می‌داند. کسروی معتقد است کلات جدا شده از واژه‌ی سریانی(کرخا) به معنی شهر است که بعداً تبدیل به کلاک و کلات شده است. کلاته نیز محققًا از کلات گرفته شده است و امروزه بیش از سی‌صد محل در خراسان با این واژه شروع می‌شود (قاسم‌نژاد، ۱۳۹۱:۱۱۱۱).

کلات دژی بوده که بر درگز در شمال غرب، ابیورد در شمال شرق و دشت اتک در کوهپایه‌های شمالی رشته کوه کپه‌داغ و نیز بر جاده‌ی مشهد به ترکستان اشراف و تسلّط داشته باشد (نظرآهاری و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۳) این شهر در ناحیه‌ی کوهستانی بنیاد یافته و آب و هوای معتدل خشک و سرد دارد (سیستانی، ۱۳۹۲: ۱۰۹۲).

با آن‌که کلات از لحاظ باستانی قدمت دیرینه‌ای دارد ولیکن بحث درباره‌ی این‌که تاریخ واقعی این سرزمین جزو کدام یک از دوران باستان (پیشدادیان،کیانیان، ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی) است، بسیار مشکل است. زیرا تنها منبعی که در ابتدا از وجود کلات در تاریخ سخن به میان می‌آورد، شاهنامه‌ی حماسه‌سرای بزرگ ایران در قرن چهارم، فردوسی توس است (امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۴۰).

حضور پررنگ کلات در وقایع و رخدادهای سیاسی و نظامی از گذشته‌های بسیار دور اقتضا می‌کند که آثار و نشانه‌های فراوانی در جای جای آن جایگاه استثنایی وجود داشته باشد؛ اما کمبود زمین‌های کشاورزی و ساخت‌وساز خانه‌های مسکونی و تأسیسات گوناگون موجب شده است که بسیاری از آن آثار و نشانه‌ها محو یا پنهان شوند؛ با این وجود، هنوز در نقاط دور از دسترس و فراز کوه‌ها آثار فرهنگی و بقایای معماری برجای مانده که اهمّیّت تاریخی و نظامی کلات را گواهی می‌دهد (نظرآهاری و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۹).

سکنه‌ی کلات از تمام حیثیات شباهت تامّه به ترکمنان دارند؛ هم از حیث تکلّم، هم عادات و هم سیما و قد

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

و قامت و هم طرز لباس پوشیدن بلکه مابه‌الامتیاز میان آن‌ها را یکی دانسته‌اند و حال آن‌که این طور نیست. در مورد ایل‌ها و طوایف مختلف ساکن در کلات در مجموع می‌توان چنین گفت که ۴۰درصد از این جمعیت کرد، ۳۰ درصد تُرک، ۲۵ درصد فارس، ۵ درصد لَک، عرب، ترکمن هستند که هر یک از آن‌ها از ایل‌ها و طوایف گوناگونی تشکیل شده‌اند (امیری و شاکری، ۱۳۸۵: ۸۲).

به‌تدریج که طوایف کرد در خراسان پراکنده شدند، عدّه‌ای از آنان نیز به حدود کلات رفتند و در آن‌جا سکنی گزیدند. طوایف چمیشکر ترک که بعدها، زعفرانلو، شادلو، کیوانلو، عمّارلو نامیده شدند، سراسر خاک خراسان را به‌خصوص نواحی قوچان، بجنورد، چناران و نیشابور را به خود اختصاص دادند (روشنی زعفرانلو، ۱۳۶۱: ۱۵۷).

شهرستان کلات نادری علی‌رغم وسعت کم، به دلیل برخورداری از یک موقعیّت منحصر به فرد جغرافیای از تنوّع در نوع درآمد برخوردار است. به عنوان مثال در قسمت‌هایی از این شهرستان، وجود رودخانه‌های پُرآب، زمین‌هایی با خاک مناسب و هوای معتدل، زمینه را برای کشت برنج کاملا فراهم کرده است و در برخی از نقاط به علّت عدم برخورداری از آب کافی جهت شالی‌کاری، مردم به باغبانی و کشت دیم می‌پردازند و در مناطقی نیز به دلیل وجود مراتع خوب و آب و هوای متناسب با دامداری، بسیاری از مردم به دامداری اهتمام می‌ورزند (امیری، شاکری، ۱۳۸۵: ۳۰).

ویژگی های روستای آقداش

آقداش یکی از روستاهای کلات نادر است. نبود آب و پستی و بلندی‌های زمین نشان می‌دهد که مردم ساکنان گذشته‌ی آقداش این مکان را برای سکونت انتخاب نکرده‌اند. در گفت‌وگو با اهالی روستا مشخص شد که پدران آن‌ها از مناطق مختلف مانند سبزوار، نیشابور، مزنگان سرخس، درگز، استان فارس و همچنین از کشور ترکمنستان به دلایل مختلفی همچون نگهبانی از مرزها، شرکت کردن در جنگ‌های گذشته و پیشروی شوروی سابق تا مرز ترکمنستان به این منطقه کوچ کرده‌اند. بازماندگان این قبایل و طوایف با سکنه‌ی بومی آن مناطق که ترکان آن‌ها را تات می‌نامیدند، مخلوط شده‌اند و هویّت ایلی و طایفه‌ای خود را از دست داده‌اند و خود آن‌ها هم نمی‌دانند از کدام ایل و طایفه‌ی عشایری ایران هستند و مسکن اصلی آن‌ها کجاست و سبب انتقال اجداد آن‌ها از محلّ اصلی به محلّ فعلی چه بوده‌است (میرنیا، ۱۳۶۹: ۱۳).



تصویر ۱- دورنمای روستای آقداش، آرشیو خبرنگار و عکاس شهرستان کلات نادری (عزیزی، ۱۳۹۵)

در بخش صنایع دستی که از فعّالیّت‌های زنان روستا است، می‌توان گلیم‌بافی، ابریشم‌بافی و چادرشب‌بافی را نام برد که با توجّه به تغییر سبک زندگی و نوع پوشش، در حال حاضر تولید پارچه‌های ابریشمی و چادرشب به ندرت؛

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

ولی گلیم بافی به صورت گسترده در روستا انجام می‌شود. در بخش صنعت با توجّه به دوری روستا از شهرستان، عدم وجود راه ارتباطی مناسب، مرزی بودن منطقه، کوهستانی بودن، عدم منابع کافی و سرمایه و نیروی متخصّص و هیچ‌گونه صنعت ماشینی با کارنامه چه بزرگ و چه کوچک در این روستا شکل نخواهد گرفت. حتی صنایع بسته‌بندی و کوچک نمی‌تواند در این روستا جایگاهی داشته باشد (بنیاد مسکن انقلاب خراسان رضوی، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

آشنایی با گلیم یا پلاس روستای آقداش

دست‌بافته‌ی گلیم که امروزه جنبه‌ی تزیینی دارد، برای روستاییان و کوچ‌نشینان ضروری بوده‌است و نیازهایی مانند پوشش، حفاظت از سرما، گرما و رطوبت، کالایی اساسی برای حمل و نقل و کوچ کردن را از آن‌ها رفع می‌کرده‌است.

گلیم علاوه بر ایجاد آسایش، همچون زیورآلات، البسه و اثاثیه‌ی چادر و پوشش حیوانات، نشانگر هوّیّت روستاییان و چادرنشینان است و بخشی از ثروت اشخاص و قبیله به شمار می‌رود (یاوری، ۱۳۷۰: ۱۵).



تصویر ۲- خانم هنرمند آقداشی که از زمان کودکی فرزندان برای جهیزیهٔ آنان گلیم بافته و نگهداری می‌کرد، نقش گلیم در شکل: فاطمه باریکلا، روستای آقداش (آرشیو نگارندگان)

گلیم‌های پشمی، ابریشمی و سایر صنایع دستی کلات نادری طرح‌های مخصوص به خود دارد که بیانگر تاریخ کهن، فرهنگ و آداب و رسوم اقوامی است که در آن‌جا زندگی می‌کردند. گلیم‌های زیبای پشمی در رنگ‌ها و طرح‌های منحصر به فردی که از پیشینیان به جای مانده در بیش از هزار کارگاه خانگی و نیمه صنعتی علاوه بر روستای آقداش در بیشتر روستاهای شهرستان کلات تولید می‌شود. این نوع گلیم‌ها که بر روی دارهای زمینی بافته می‌شود در بافت آن‌ها پشم‌های تابیده را از لابلای تارها عبور می‌دهند و اغلب نقش‌ها که هندسی است به صورت قرینه و یا وارونه بافته می‌شود. چیت‌سازیان بیان می‌کند که: بافندگان در هر زمان تحت تأثیر دین و آیین و فرهنگ بومی، از نقوش به صورت نمادین درگلیم بهره برده‌اند. و به این وسیله، ضمن توجه به ظواهر، تناسبات، اندازه و قواعد شکلی طرح به غنی‌سازی مضمون و محتوای طرح‌ها بر اساس مضامین فرهنگی پرداخته‌اند (چیت‌سازیان، ۱۳۸۵، ۳۸).

دست‌بافته‌ای که در آقداش بافته می‌شود در خود روستا "پلاس" یا "پالاس" و در شهر مشهد به نام "گلیم کلاتی" و "گلیم آقداشی" معروف است. پلاس، در واقع گلیمی درشت‌بافت، تمام پشمی با مواد اولیه‌ای ضخیم‌تر از مواد اولیه‌ی مصرفی در گلیم‌های دیگر که به صورت ذهنی و در واقع بدون استفاده از نقشه بافته می‌شود. بهترین پلاس‌های ایران را در کلات نادری خراسان، ترکمن صحرا و استان گلستان می‌بافند. گفتنی است که پلاس با عبور نخ‌های پشمی رنگین پود از لابه لای نخ‌های تار یا چلّه و به "روش پودگذاری" بافته می‌شود و برای استحکام بافت

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان ۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

و قطعی‌کردن درگیری تار و پود از "شانه" یا "دفتین" استفاده می‌کنند و با زدن ضربات لازم، درگیری نهایی و در واقع یک ردیف یا یک رج بافته می‌شود (یاوری، ۱۳۹۲: ۸۱).

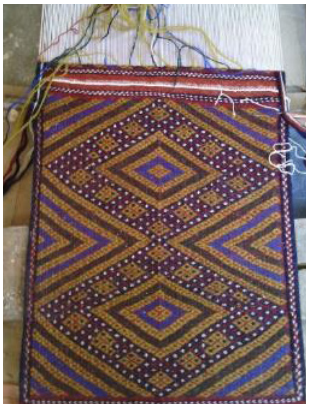
الیافی که در بافت گلیم بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند، پشم و نخ هستند؛ در حالی که ابریشم، به دلیل قیمت و لطافت برای بافته‌های ارزشمند استفاده می‌شود. در عین حال، کتان کاملاً از چرخه‌ی تولید گلیم حذف شده است که از اجزای نمونه‌های مربوط به هزاره‌ی اوّل پیش از میلاد به شمار می‌رفت (صباحی، ۱۳۹۴: ۴۱۶).

انواع گلیم‌ها، قالی‌ها و پلاس‌هایی که در روستاهای متفاوت شهرستان کلات تولید می‌شود، با برچسب کلات از مشهد به شهرها و کشورهای دیگر صادر می‌شود و تقسیم‌بندی از لحاظ روستاهای تولیدکننده در اطلاعات شناسنامه دست‌بافته‌ها وجود ندارد (امیری، ۱۳۹۷).

به دلیل استمرار بافت این گلیم از گذشته تا به امروز و همچنین فراوانی بافت آن در این منطقه می‌توان از آن به عنوان سرمایه‌ی فرهنگی شهرستان کلات و روستای آقداش نام برد (روح‌الامینی، ۱۳۹۰: ۱۱۷). بافت این گلیم به صورت ذهنی و طرح کلّی این گلیم بدین صورت است که زمینه‌ی گلیم به راه‌های افقی تقسیم شده است که در هر راه آن نقشی بافته می‌شود و تکنیک بافت ورچینه‌ای و رنگ غالب در این گلیم قرمز است.



تصویر ۳- گلیم روستای آقداش (نگارندگان)



تصویر ۴- گلیم بافته شده بر روی چلّه‌کشی فارسی یا یک طرفه یا ثابت، روستای آقداش (آرشیو نگارندگان)

تکنیک بافت درگلیم آقداش

چلّه‌کشی: چلّه‌کشی یا تارکشی در همهٔ گلیم‌های روستا به صورت فارسی و یک طرفه است. چلّه را که در زبان محلّی روستا «اِرِش» نامیده می‌شود به اندازه‌ی طول و عرض گلیمی که قصد بافت دارند، روی دار چلّه‌کشی می‌کنند. الیاف پشمی مورد استفاده‌ی چلّه نیز از پشم گوسفندان روستا تهیه می‌شود. ولی در صورت نیاز به چلّه‌ی پنبه‌ای، بافنده باید چلّه‌ی مورد نیاز را از شهر تهیه کند. چلّه در روستا «تار» یا «تون» هم نامیده می‌شود.

تکنیک بافت یا پودگذاری

تکنیک بافت گلیم آقداش زیرمجموعه‌ی بافته‌های یک‌روی غیرسوماک است و روش بافت این دست‌بافته، گلیم بافت با پود معلّق نامیده می‌شود. نوع تکنیک آن کاملاً با تکنیک‌های رایج در بافت گلیم متفاوت است. با توجّه به

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

نقشی که بافنده در حال بافت آن است، پود رنگی به پشت و روی گلیم حرکت می‌کند؛ بدین صورت که برای نقش انداختن بر روی بافت می‌آید و برای حرکت کردن از پشت بافت عبور می‌کند. نتیجه‌ی مطالعات میدانی نشان می‌دهد که این تکنیک در بافت گلیم‌ها و سَرپلاس‌های قالی‌های منطقه‌ی سیستان و بلوچستان و همچنین بعضی از گلیم‌های ترکمن و نیز پلاس‌های شمال‌شرق ایران در گذشته رواج داشته و امروزه در مقایسه با گذشته کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. گلیم‌های شهرستان کلات و مخصوصاً روستای آقداش از مناطق فعّال در تولید پلاس با این نوع تکنیکِ بافت است. بافتِ درست این روش تخصّصی و نیاز به مهارت دارد و روش یادگیری آن هم به صورت نسل به نسل منتقل می‌شود؛ چنان‌که در روستای آقداش، این تکنیکِ بافت از مادر به دختر آموزش داده‌می‌شود. همچنین نام «ورچینه‌ای» در برخی مناطق برای این نوع تکنیکِ بافت به‌کار برده می‌شود؛ یعنی در قسمتی که پود رنگی به پشت کار حرکت می‌کند، از روی کار ورچیده می‌شود. در روستا پودهای رنگی که با آن گلیم بافته و همچنین به وسیله این پودها نقوش شکل می‌گیرند ، «اَرقَچ» نامیده می‌شود.



تصویر ۵- پشت و روی گلیم آقداش، نخ‌ها از روی هم عبور کرده در پشت گلیم واضح است، بازار فرش مشهد، تابستان ۱۳۹۷ (آرشیو نگارندگان)

● **بافت حاشیه و شیرازه در گلیم آقداش:** در گلیم‌های آقداشی شیرازه هم‌زمان با بافت پیچیده می‌شود. بدین صورت که به طور معمول، چهار جفت تار یا چله، جهتِ بافت شیرازه در دو سمت طولی گلیم درنظر گرفته می‌شود و پس از ۵ الی ۱۰ سانتی‌متر یک جفت دیگر چله به بافت شیرازه اختصاص می‌یابد. با این روش پیچیدنِ شیرازه، پس از اتمام بافتِ گلیم، در ظاهر حاشیه‌ای به شکل یک قاب دورتادور گلیم دیده می‌شود. با جست‌وجو در نمونه‌های موجود و مصاحبه با بافندگان روستا مشخّص شد که در گذشته، قسمت حاشیه را با رنگ‌های شاد و روشن و متّضاد از رنگ زمینه و همچنین با نقوشی پُرکارتر از نقوش امروزی می‌بافتند. اما در حال حاضر، به دلیل قیمت نهایی تمام شده از همان رنگ زمینه استفاده می‌کنند.



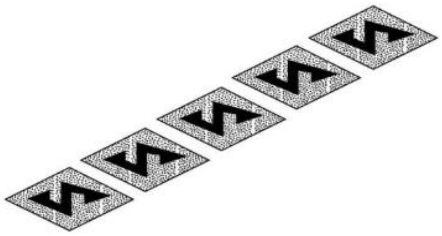
تصویر ۶- گلیم آقداش با نقش حاشیه در امتداد زمینه (آرشیو نگارندگان)

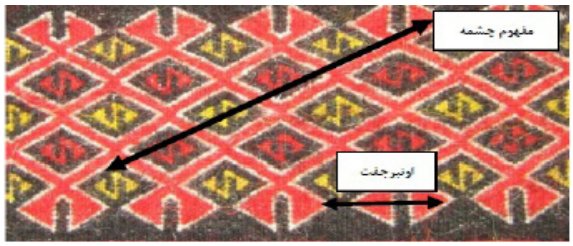


تصویر ۷- گلیم آقداش با نقش حاشیهٔ مستقل از زمینه (آرشیو نگارندگان

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

● **مفهوم «چشمه» و «جفت» در نقوش گلیم آقداش:** چشمه اصطلاحی است برای شمردن ردیف‌ها که به صورت اُریب شمرده می‌شود و حتماً باید فرد باشد، مانند: سه‌چشمه، پنج چشمه، هفت چشمه و ... . در بافت پلاس آقداشی بافنده می‌داند که هر نقشی را با چه فاصله‌ای باید ببافد که فاصله و تعداد چشمه‌ها دقیق در بیاید. مثلاً برای نقش بِش چخماق باید رج اوّل «اونبَرجفت» که اونبر به معنای عدد یازده است و هر یازده فاصله در نهایت، باعث به وجود آمدن یک چشمه در بافت می‌شود. بافنده می‌داند که اگر اونبرجفت شروع کند، نقش چخماقی که می‌بافد، در نهایت پنج‌چشمه درمی‌آید. برای همه‌ی نقوش به همین ترتیب است.





تصویر ۸- نقش بِش چَخماق ترکی، این طرح پنج چشمه است و کلمهٔ بِش که به گویش محلی روستا به معنی عدد پنج است، خط مورّب در شکل نشانگر مفهموم چشمه است که در این نمونه پنج نقش چخماق بافته شده است،روستای آقداش (آرشیو نگارندگان).

● یافته‌های پژوهش

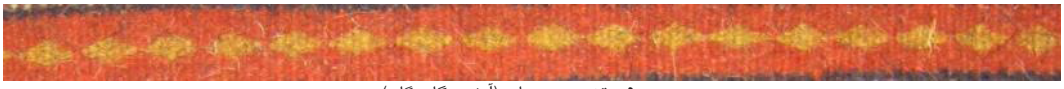
پس از معرفی شیوه و تکنیک‌های بافت گلیم آقداش، اکنون به دسته‌بندی و شناسایی نقوش گلیم و تفسیر نمادهای موجود در آن‌ها به تفکیک پرداخته می‌شود. با توجه به نقوش شناخته و معرفی‌شده در گلیم آقداش، می‌توان آن‌ها را در دسته‌های چهارگانهٔ زیر طبقه‌بندی نمود.

۱- نقوش توصیفی، ملهم از طبیعت و زیست جهان مردمان منطقه: چیتی (تخم هندوانه)، ادرار گو (ادرار گاو)، گله گزی (چشم گاو)، زنبور شخه (شاخک زنبور)، کپلک (پروانه)، زلف گلی، ایت دشی (دندان سگ)، آلا قورت (کرم سیاه) و پلنگ سرناق (رد پای پلنگ).

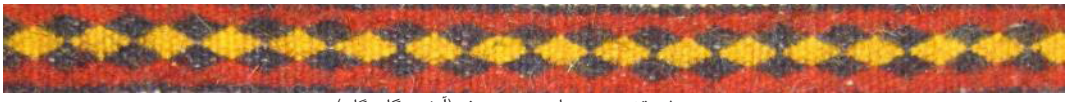
نقش چیتی



یکی از ساده‌ترین نقوش گلیم آقداش، نقش چیتی است که به شکل یک لوزی کوچک توپر بافته می‌شود. با ادامه دادن آن با رنگ‌های گوناگون در چند ردیف نقوش متنوّعی بافته‌می‌شود. در روستای آقداش به تخم هندوانه «چیت» گفته می‌شود که نام نقش از این کلمه گرفته شده‌است.



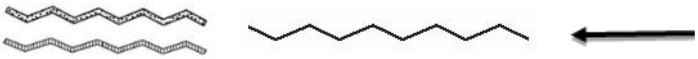
تصویر ۹- نقش چیتی ساده (آرشیو نگارندگان)



تصویر ۱۰- نقش چیتی ساده در سه ردیف (آرشیو نگارندگان)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

نقش ادرار گو (گاو)



در منطقه به دلیل شباهت شکلی این نقش با ادرار گاو، به همین مفهوم نیز در گلیم بافته‌می‌شود. فرم زیگزاگی دارد و هر نقشِ مستقل دیگر که این فرم را با چینش رنگ‌های گوناگون داشته باشد، پسوند این نام را می‌گیرد مانند: چیتی شَاش گو.



تصویر ۱۱- نقش شاش گو (آرشیو نگارندگان)



تصویر ۱۲-نقش شاش گو در سه ردیف در یک نمونه قدیمی (آرشیو نگارندگان)

نقش گُله گُزی



«گُز» در زبان ترکی به معنای «چشم» و گُله گُزی به مفهوم «چشم گاو» است که در بافت از لوزی‌های متداخل هم با رنگ‌های متفاوت استفاده‌می‌شود. در واقع همان نقش بیتَی با حرکت رنگی و تداخل بیشتر است.



تصویر ۱۳- قش گُلَه گُزی (آرشیو نگارندگان)



تصویر ۱۴- نقش گُلَه گُزی (آرشیو نگارندگان)

نقش زنبور شَخه



مفهوم این نقش «شاخک زنبور» است که اشاره به تیزی دو طرف نقش دارد که شبیه شاخک زنبور است.



تصویر ۱۵- نقش زنبور شَخه پنج چشمه، در وسط یک چشم باز شده است (آرشیو نگارندگان

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

نقش کَپَلَک



«کَپَلَک» در روستا به معنای «پروانه» و شباهت زیادی به بال‌های پروانه دارد. این نقش «کُرکَپَلَک» به معنای «پروانه‌ی کور» هم نامیده می‌شود.



تصویر ۱۶- نقش کَپَلک یا کورکَپَلَک (آرشیو نگارندگان)

نقش زُلف گُلی



این نقش از نقوش رایج در بافت حاشیه پلاس است، در روستا به معنای زُلف و موی مانند گُل است.



تصویر ۱۷- حاشیه با نقش زُلف گولی (آرشیو نگارندگان)

نقش آلاقورت

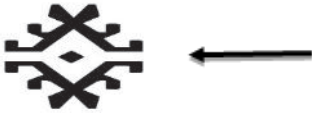


«آلا» به مفهوم «سیاه و سفید» و «قورت» به معنی کِرم است و با بافتن یک در میان رنگ‌ها انجام میشود. نقش آلاقورت مانند خزیدن کِرم در طبیعت انجام است.



تصویر ۱۸- حاشیه با نقش آلاقورت (آرشیو نگارندگان)

نقش پلنگ سِرناق



بافت این نقش مخصوص حاشیه‌ی گلیم آقداشی است و معنی کلمه سِرناق، «ردّپا» و «جای پا» است که از آن مفهوم ردّ پنجهٔ پلنگ استنباط می‌شود. در حاشیه اکثر نمونه‌های پلاس در روستا، به صورت یک در میان با رنگ‌های متفاوت بافته می‌شود.

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]



تصویر ۱۹- حاشیه‌ی پلنگ سِرناق یک رنگ (آرشیو نگارندگان)

نقش سم خر



این نقش شبیه به سم است. قطعه‌ای فلزی که در گذشته به پای چهارپایان می‌کوبیدند.



تصویر ۲۰- نقش سم خر

جدول ۱- بررسی نقوش توصیفی، ملهم از طبیعت و زیست جهان مردمان منطقه

ردیف	نام نقش	آنالیز خطی نقش	تصویر نقش
۱	نقش چیتی		
۲	نقش ادرار گو (گاو)		
۳	نقش گُله گزی		
۴	نقش زنبور شخه		
۵	نقش کَپَلَک		
۶	نقش زُلف گلی		

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

۷	نقش آلاقورت		
۸	نقش پلنگ سِرناق		
۹	سم خر		

۲- نقوش ملهم از داستان‌ها و روایت‌های شفاهی قومی: آی صنم، بختیار و فاطمه باریکلا.

نقش آی صَنَم



در روستا معروف به «آی صَنَم نَخش» و از نقوش اصیل و قدیمی روستا است و طبق یک باور، نام بانویی بوده است که از روستای دیگر به آقداش می‌آید و اوّلین‌بار این نقش را می‌بافد و نام او بر این نقش گذاشته می‌شود. در باور دیگر، پسر آقداشی عاشق دختری به نام «آی صَنَم» از روستای دیگر می‌شود و خواهرش نقش جدیدی بر پلاس می‌بافد و برای خشنودی برادرش نام آن دختر را روی نقش می‌گذارد.



تصویر ۲۱- نقش آی صَنَم (آرشیو نگارندگان)



تصویر ۲۲- نقش آی صَنَم، در وسط طرح یک چشم باز شده است (آرشیو نگارندگان)

نقش بختیار

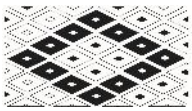


نقش بختیار از نقوش اصیل و زیبا و پُرکار در گلیم آقداش و در باور روستاییان نام مرد غریبی بوده است که روزی به آقداش می‌آید و این نقش بر خورجین اسبش بود. روستاییان آن را بافتند و نام مرد را بر آن نقش گذاشتند. در باوری دیگر، زوج عاشقی بودند که در آقداش زندگی می‌کردند و نام مرد بختیار بود. او به جنگ می‌رود، پس از مدت طولانی برمی‌گردد و زن که سر به پایین در روستا راه می‌رود، چشمش به نوک چکمه یک عابر می‌افتد که همین نقش بختیار است و آن چکمه‌ی، یار از سفر برگشته است.



تصویر ۲۳- نقش بختیار سه چشمه (آرشیو نگارندگان)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

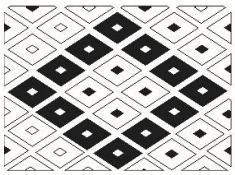
نقش فاطمه باریکلا 

بنا بر باور روستاییان در گذشته بانویی به نام فاطمه اوّلین‌بار این نقش را با تغییر رنگ‌ها در نقوش بیتَی می‌بافد و رنگ سیاه را وارد نقوش بیتَی می‌کند که با این جمله مورد تشویق قرار می‌گیرد: «فاطمه باریکلا! عجب نقشی بافتی». از آن پس این نقش به همین نام معروف می‌شود. این نقش هم مانند نقش دورت بولی مشترک بین لباس‌های ابریشمی و گلیم است و در بیشتر موارد برروی پلاس‌های کوچک تزیینی و دیوارکوب بافته می‌شود.



تصویر ۲۴- نقش فاطمه باریکلا، تشکیل شده از بیتَی‌های مکرّر با رنگ های فراوان که نقش بیتَی با رنگ مشکی از شاخصه‌های شناخت این نقش است (آرشیو نگارندگان)

جدول ۲- بررسی نقوش ملهم از داستان‌ها و روایت‌های شفاهی قومی

ردیف	نام نقش	آنالیز خطی نقش	تصویر نقش
۱	نقش آی صَنَم		
۲	نقش بختیار		
۳	نقش فاطمه باریکلا		

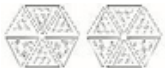
(نگارندگان)

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان ۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

۳- نقوش ملهم از ابزار، صنایع دستی، مصنوعات بشری و ملزومات زیستی مردمان منطقه: مناط نقش (پول نقش)، سار چنگه (قلاب)، مینجاق (منجوق)، چخماق، خملی (لباس چوپانی) و قاپاق (در قابلمه، درپوش).

نقش مِناط نقش یا پول نقش

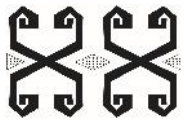


شکل این نقش دایره و برگرفته از «سکّه» است. در گذشته با توجّه به واحد پول کشور ترکمنستان که درنزدیکی روستای آقداش قرار دارد، «مناط نقش» و امروزه «پول نقش» نامیده می‌شود. بافتن این نقش، مخصوصاً در جهیزیه به معنای خیر و برکت در رزق و روزی است.



تصویر ۲۵- پول نقش (آرشیو نگارندگان)

نقش سارچَنگِه یا چنگک یا قلاب



«چَنگِه» یا «قلّاب» به معنای چنگال و «سار» به معنای «رنگ زرد» است. اصل این نقش در نمونه‌های قدیمی به رنگ زرد بوده است. در نمونه‌های امروزی این نقش با هر رنگی بافته شود، سارچنگه نامیده می‌شود.



تصویر ۲۶- نقش سارچَنگه یک چشمه (آرشیو نگارندگان)

نقش مینجاق



برگرفته از کلمهٔ «منجوق» است و به صورت دانه‌های منجوق به صورت دوتایی و سه تایی برروی گلیم آقداش به صورت یک نقش تزیینی بافته می‌شود.



تصویر ۲۷- نقش مینجاق دوتایی آرشیو نگارندگان)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

نقش چَخماق

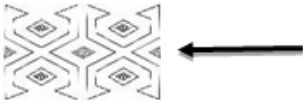


چخماق از نقوش اصیل ترکی و در باور روستاییان استعاره از «آتش» است. این نگاره در هر نقشی که اضافه شود، آن نقش پیشوند یا پسوند چخماق می‌گیرد.



تصویر ۲۸- نقش چخماق، (آرشیو نگارندگان)

نقش خَمنَلِی

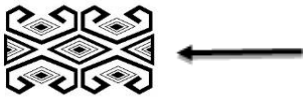


در روستا به لباس پشمی چوپانان «خَمنَه» گفته می‌شود. این نقش که در ظاهر شبیه به لباس پشمی چوپانان است، خَمنَلِی نامیده می‌شود.



تصویر ۲۹- نقش خَمنَلِی (آرشیو نگارندگان)

نقش قاپاق یا ترکی قاپاق



«قاپاق» در زبان ترکی به معنای «سرپوش» یا «درپوش» است مانند درِ قابلمه. نقش قاپاق با همین معنی و با اشکال گوناگون با توجه به ذوق و سلیقه بافنده بافته می‌شود.



تصویر ۳۰- نقش ترکی قاپاق سه چشمه (آرشیو نگارندگان)

نقش ییتی



ییتَی در گلیم نشانه‌ای از کلمهٔ «دامن» است و در روستای آقداش به تکّه پارچهٔ جلوِ دامن ییتَی می‌گویند.

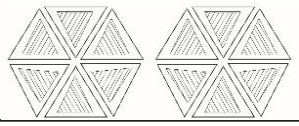
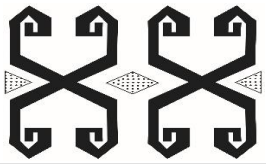
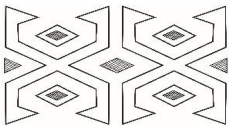
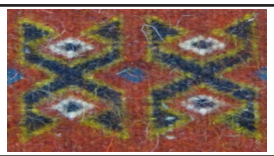
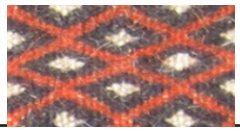
گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]



تصویر ۳۱- نقش بیتی نه چشمه (آرشیو نگارندگان)

جدول ۳- بررسی نقوش ملهم از ابزار، صنایع دستی، مصنوعات بشری و ملزومات زیستی مردمان منطقه

ردیف	نام نقش	آنالیز خطی نقش	تصویر نقش
۱	مناط نقش (پول نقش)		
۲	سار چنگه (قلاب)		
۳	مینجاق (منجوق)		
۴	چخماق		
۵	خملی (لباس چوپانی)		
۶	قاپاق (در قابلمه، درپوش)		
۷	نقش بیتَی		

(نگارندگان)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

۴- نقوش ملهم از تکنیک بافت و ویژگی‌های فرمال نقوش: چاتمه چو، بش چخماق، قوش کرمی (جفت گره)، دورت بولی (چهارتکه) و لوکه نقش.

نقش چاتمه چو 

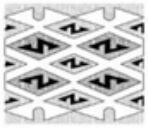
از دیدگاه بافندگان روستا نقش چاتمهچو شبیه حرکت چله‌ها است؛ که هم زمان با حرکت چوب باد یا هاف جابه‌جا می‌شوند. بدین صورت زمانی که چوب باد به سمت بالا می‌رود، «چاتمه» و با حرکت به سمت پایین «چو» نام می‌گیرد.



تصویر ۳۲- نقش چاتمه چُو در یک نمونه قدیمی که وسط چشم با رنگ متفاوت از زمینه پر شده است (آرشیو نگارندگان)



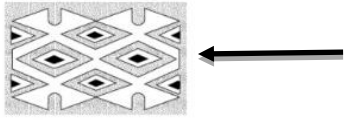
تصویر ۳۳- نقش چاتمه چُو در دو ردیف (آرشیو نگارندگان)

نقش بِش چَخماق ترکی 

«بِش»در زبان ترکی به معنای عدد «پنج» است که اصل این نقشه دارای پنج چِشمه است و در وسط هر چشم آن یک طرح چَخماق بافته می‌شود.



تصویر ۳۴- نقش بِش چخماق ترکی با دورنگ پنج چشمه (آرشیو نگارندگان)

نقش بِش چَخماق ساده یا کُردی 

این نقش شبیه به بِش چخماق ترکی است؛ ولی با توجّه به حذف شدن نگارهی چخماق در وسط هر چشمه، در روستا به نقش بِش چخماق ساده یا کُردی معروف است.



تصویر ۳۵- نقش بِش چَخماق با دورنگ پنج چشمه (آرشیو نگارندگان)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

نقش قوشَ کُرمی

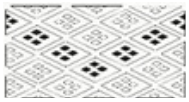


«قوشَ» به معنای «جفت» و «کُرمی» به معنای گره که با هم جفت گره معنی می‌دهد.



تصویر ۳۶- نقش قوش کرمی (آرشیو نگارندگان)

نقش دورت بولی

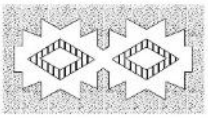


کلمه‌ی «دورت» به معنای عدد «چهار» است و دورت بولی یعنی نقشی که به چهار قسمت تقسیم شده‌است. نقش دورت بولی از نقش‌های مرسوم در بافت پارچه‌های ابریشمی بوده است که امروزه بر روی پلاس آقداشی نیز نقش می‌بندند.



تصویر ۳۷- نقش دورت بولی شاش گو (آرشیو نگارندگان)

نقشِ لوکِه نقش



درگویش محلی روستا، لوکه به معنای فراوان، انبوه و توده است. اشکال و انواع گوناگونی دارد. با رنگ سفید که بافته شود، به آن «آق لوکه نقش» گفته می‌شود.



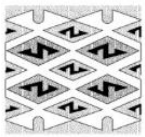
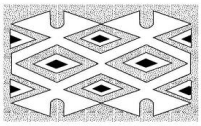
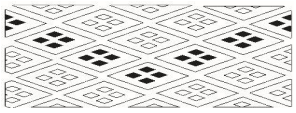
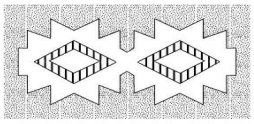
تصویر ۳۸- لوکِه نقش یک چشمه (آرشیو نگارندگان)

جدول ۴: بررسی نقوش ملهم از تکنیک بافت و ویژگی‌های فرمال نقوش

ردیف	نام نقش	آنالیز خطی نقش	تصویر نقش
۱	چاتمه چو		
۲	قوشَ کُرمی		

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۷
بهار و تابستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

۳	بِش چَخماق ترکی		
۴	بِش چَخماق ساده یا کُردی		
۵	دورت بولی		
۶	لوکِه نقش		

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

با مطالعه در نقوش می‌توان دریافت که در بیشتر نقوش گلیم آقداش از نمادهای طبیعی (دسته‌ی الف) استفاده شده‌است که رایج‌ترین آن‌ها نمادهای جانوری همچون نقوش کپلک، پلنگ سرناق، آلاقورت، زیگزاگی و زنبور شخه است. همچنین به دلیل خشک‌بودن منطقه‌ی جغرافیایی، نمادهای گیاهی کمتر در نقوش این پلاس‌ها استفاده شده‌است. نقش‌های برگرفته از داستان‌ها و افسانه‌ها محبوبیت زیادی بین ساکنان روستا دارد. نقش‌های بختیار، آی صنم و فاطمه باریکلّا از این جمله است. دسته‌ای از نقوش روایت‌گر مصنوعات و روش‌های تسهیل زیست مردم است و با امید و آرزوهای مردم این منطقه تنیده شده؛ مانند نقش چخماق که نشان از آتش دارد و مِناط نقش که از رزق و روزی مردم در گذشته حکایت می‌کند.

نمونه‌های گلیم در روستا نشان می‌دهد که نقوش استفاده‌شده در این گلیم‌ها متفاوت و متنوّع است و هر بافنده برداشت‌های متفاوتی از نقوش دارد. شاید در نگاه اوّل همه‌ی نقوش شبیه هم باشند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که نمی‌توان دو گلیم مشابه از نظر طرح و نقش در این منطقه یافت. این میراث به‌جا مانده از گذشتگان برای ماندگار شدن نیازمند تدابیری اقتصادی است. مردم این روستا باید بتوانند از راه بافتن این گلیم امرار معاش کنند تا با امید بیشتری بر این گلیم نقش بزنند.

پلاس آقداشی با توجّه به نقوش شکسته و ساده شده، علاوه بر یک زیرانداز با الیاف طبیعی، می‌تواند در دکوراسیون‌های مدرن نیز جایگاه خود را داشته باشد. مهم‌ترین مزیّت گلیم آقداشی تکنیک بافت آن است که به صورت ورچینه‌ای بافته می‌شود. روش بافت این تکنیک دلیلِ مصون ماندن آن از ورود نقشه‌های جدید در تولیدات امروزی است. تکنیک بافت به صورتی است که نقوشِ روی یک تار بافته می‌شود و هر خانه از کاغذ شطرنجی شامل دو تار است و هنوز نقش و طرح‌ها از ذهن بافنده روی دار بافته می‌شود و نقش می‌بندد و این

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

درحالی است که امروزه محدود مناطقی وجود دارند که هنوز به صورت ذهنی گلیم ببافند. مزیّت دیگر این تکنیک این است که مقدار زیادی از الیاف در پشتِ کار درهم تنیده می‌شوند که این کار سبب بالارفتن عمر پاخوری این نوع پلاس نسبت به سایر دست‌بافته‌های مشابه است. همچنین به دلیل فراوانی رنگ و نقش، حجم نخ‌های پشمی در پشتِ کار فراوان و این مزیّت بر اساس تجربه و مشاهده‌ی نمونه‌های قدیمی در روستای آقداش به‌دست آمده است. قیمت نهایی با توجّه به سرعت بالای بافت، نسبت به سایر دست‌بافته‌های مشابه کمتر است.

آسیب‌های احتمالی به این گلیم شامل پُرکار بودن و قیمت پایین نهایی تمام‌شده‌ی نقوش قدیمی سبب از بین رفتن بعضی از آن‌ها شده است. تغییرات نقوشِ اصیل و رنگ‌های امروزی در مقایسه با گذشته، کم‌کم باعث از بینرفتن ریزه‌کاری‌های نقوش می‌شود و آسیب دیگر مَربوط به تولیدکنندگان قالی است که در روستاهای متفاوت کارگاه‌های متمرکز ایجاد می‌کنند و با توجه به نیاز بازار مصرف، الگوی سنّتی تولید را در مناطقِ بافت، دستخوش تغییر می‌کنند.

فهرست منابع

– امیری، حسن، وحدت شاکری. (۱۳۸۵) . *دژ خدای آفرین*. مشهد: خیزران.

– بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی. (۱۳۸۶). «طرح هادی روستای آقداش». شهرستان کلات. ۱۳۸۶.

– بوگولیوف. (بی‌تا). *فرش های ترکمنی*. برگردان نازدیبا (خزینه‌ی علم). بی‌جا. موزهٔ فرش ایران.

– جزایری، زهرا. (۱۳۷۰). *شناخت گلیم*. تهران: سروش.

– حصوری، علی. (۱۳۷۱). *نقش‌های قالی ترکمن و اقوام همسایه*. تهران: فرهنگان.

– روح‌الامینی. محمود. (۱۳۹۰). زمینه‌ی فرهنگ‌شناسی. تهران: عطار.

– روشنی زعفرانلو، قدرت‌الله. (۱۳۶۱). تحقیقات کامپیوتری اسلامی نور، ج ۲۵. ۱۵۵ – ۲۰۵، تهران: فرهنگ ایران زمین

– صباحی، سید طاهر. (۱۳۹۳). *قالین*. تهران: خانهٔ فرهنگ و هنر گویا.

– قاسم‌نژاد، عبدالحسین. (۱۳۹۱). *پژوهشی باستان شناسانه در زیراندازبافی ایران*. تهران: برگ نو.

– میرنیا، سید علی. (۱۳۹۶). *ایل‌ها و طایفه‌های عشایری خراسان*. تهران: نسل دانش.

نظرآهاری، رضا و دیگران. (۱۳۹۱). اسناد تصویری کلات نادری و سرخس. تهران: وزارت امورخارجه. اداره‌ی نشر.

– هال، آلستر، نیکلاس بارنارد. (۱۳۷۵). *گلیم‌های ایرانی*. تهران: یساولی.

– هال، آلستر، ویو وسکا، جوزه لوچیک. (۱۳۷۷). *گلیم*. تهران: کارنگ.

– یاوری، حسین. (۱۳۹۲). *شناخت صنایع دستی ایران*. تهران: مهکامه.

_____ .(۱۳۹۴). *گلیم چکیده‌ای از تاریخ و هنر تخت‌بافته‌های شرقی*، شرکت انتشارات ویژه نشر.

- Amiri, H, Shakeri,V. (2001). Creator god fort. Mashhad: Kheyzaran.

- Bogolieve. (?). Turkmen carpets. Translate by Nazdiba (Source of science), Carpet museum of Iran.

- Chitsazan,A.H.(2006). Symbolism and its effect on Iranian carpet. Journal of Goljam, Volume 2. Issue 4. P.38

- Hosoori, A. (1992). Turkmen and Neighboring Kinfolk's Carpet forms. Tehran: Fereshtegan

- Housing foundation of Khorasan-e- Razavi. (2007). "Guid plans of Aqdash village". Kalat county. 2007.

- Hull, A, Nicolas Barnard. (1996). Iranian Rugs. Tehran: Yasavoli Jazayeri, Z. (1991). Rug recognition. Tehran: soroush.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]

- Hull, A, and others. (1999). Rug. Tehran: Karang Mirniya, S. A. (2007). The Nomad Tribes of Khorasan. Tehran: Nasl-e- Danesh.
- Mirniya, S. A. (2007). The Nomad Tribes of Khorasan. Tehran: Nasl-e- Danesh.
- Nazar Ahari, R and others. (2004). Visual evidences of Kalat-e- Naderi and Sarakhs. Tehran: Foreign Ministry. Publication office.
- Qasem Nejad, A. (2002). Archeological research on Alabaster weaving of Iran. Tehran: New Leaf.
- Rouho-al-amini, M. (2011). Texture of cultural science, Tehran: Attar.
- Rowshani-e- Zaferanloo, Q. Islamic Computer Researches of Noor, Tehran: Iranian Culture (1982), Vol 25, Pp 115- 205.
- Sabahi, S. T. (2004). Carpet. Tehran: house of culture and expressive art.
- Sabahi, S. T. (2005). Rug as an oriental history and art of weavings. Special Publishing company of Publication.
- Yavari, H. (2004). Recognition of Iranian handcrafts. Tehran: Mahkameh.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.37.2.3]